



قلمرو کتاب فارسی

یادداشت کوتاهی که در شماره پیش درباره نبودن کتابهای فارسی در مهمترین کتابفروشی کتابهای شرقی در آلمان نوشته شده بود زمانی منتشر شد که پستخانه‌ها از پذیرفتن بسته‌های کتاب برای فرستادن به‌خارج ممنوع شده بودند. این جریان موجب شد که در محافل انتشاراتی و ادبی، درچون و چرای آن رویه صحبتها پیش‌آید و آگاه و ناآگاه بحق در آن باره نظری ابراز کنند.

ظاهر آ پیش‌آمدن این قضیه - که امیدواریم هرچه زودتر* در رفع آن راهی یافته شود - به‌مناسبت آن است که جمعی عقیده دارند کتاب هم به‌مانند هر متاعی جنبه مالی دارد. پس وقتی کسی می‌خواهد آن را از کشور خارج سازد باید ارزی را که ممکن است از آن عاید شود به‌دولت بدهد - مثل قالی، پسته، خاویار، روده... و شاید بگویند اگر امکان بازیافت ارز آن نیست بهترست کتابی فرستاده نشود تا لاقط کاغذ آن که به‌ارز دولتی وارد شده و با ماشینهای چاپی که باز به‌ارز مملکتی به‌ایران آمده است در مملکت بماند و در همین سرزمین به‌مصرف برسد. منطقی است آراسته به‌دلیل اقتصادی و خوشایند هر کس که خواستار تزیید در آمد عمومی و ارزی کشور است.

در قبال این نظریه و تفکر اقتصادی باید دید که از فرستادن کتاب یا دشوار ساختن راههای ارسال آن چه زبانهای اساسی (فرهنگی، علمی و عاطفی) نصیب خواهد شد.

تا سال ۱۳۵۸، خواستاران کتاب فارسی در خارج از مرزهای ایران چنین افرادی بودند:

۱) ایرانیان معدودی که در چند کشور معروف می‌زیستند و گاهی توسط خویشان و دوستان کتابهایی از ایران می‌خواستند.

* به یادداشت تازه مندرج در پایان همین نوشته مراجعه شود.

۲) دانشجویان ایرانی رشته‌هایی که کتابهای فارسی آن رشته برای تحصیل و تحقیق آنان مفید بود. تعداد این رشته از کتابها زیاد نبود. بیشتر در زمینه‌های ادبی و تاریخی و رمان بود که دانشجویان از ایران کتاب می‌خواستند و می‌خواندند.

۳) کتابخانه‌ها و مؤسسه‌های علمی و دانشگاهی خارجی که زبان و ادبیات فارسی و مطالعه در تاریخ ایران زمینه پژوهش مراجعه کنندگان آنهاست. تصور می‌کنم تعداد آن‌گونه مراکز هیچگاه از یکصد درنگذشته است. باید در نظر داشت که این کتابخانه‌ها و مؤسسه‌ها، همه، خواستار خرید همه کتابهای فارسی نبوده‌اند (و نخواهند بود). چون معمولاً اعتبارات مالی آنها اکثر محدود است و کمتر کتابخانه‌ای بود و هست که در سال بیش از پنجاه شصت کتاب فارسی بخرد. * حتی کتابخانه‌های مهم مانند موزه بریتانیا، کنگره آمریکا، دانشگاه توپینگن (آلمان)، مدرسه زبانهای شرقی لندن و بعضی از دانشگاههای بزرگ و متمول امریکا (همچون هاروارد، بریستون، لوس‌انجلس، تکراس) هم بیش از دویست سیصد عنوان کتاب در سال نمی‌خریدند. زیرا همه این‌گونه مراکز منحصرأ به کتابهای تحقیقی، متون، نوشته‌های ابداعی و اصیل ایرانیان (مانند داستان و شعر) علاقه‌مند می‌بودند و خواهند بود. ناچار از خریدن هرگونه کتاب ترجمه شده و کتابهای عادی و بابروز دوری می‌جویند (ومی‌جستند). اینان اعتبار مختصری را که برای کتب فارسی درقبال کتابهای هندی، عربی، ژاپونی در اختیار دارند همواره صرف خریدن کتابهایی (می‌کردند) و می‌کنند که دامنه دانش بشری را بطور اعم و میدان پژوهشهای ایزانی را بطور اخص گسترش دهد. هر کتابی به‌دردکار آنها نمی‌خورد. مدیر مؤسسه هاراسوتیز که مهمترین بخش‌کننده و فروشنده کتابهای کشورهای شرقی در اروپاست و با اکثر مراکز علمی و دانشگاهی رابطه تجاری اساسی دارد سالها پیش می‌گفت از چنان کتابهای فارسی (که ذکرشان رفت و دانشگاهها و کتابخانه‌های ممالک ثروتمند بدانها نیاز داشتند) به تفاوت میان ده تا سی نسخه خریداری می‌کرد. البته کتابهای لغت و خودآموز و بعضی کتابهای درسی از شمول این آمار خارج بود.

۴) ایرانشناسان و دانشجویان خارجی رشته‌های مربوط به ایرانشناسی. این گروه اصولاً بنابر روشی و نحوه آموزشی که مرسوم ممالک غربی است، سعی می‌کنند که کتاب را حتی المقدور از کتابخانه‌ای که بدان دسترسی دارند به‌امانت بگیرند و استفاده کنند. اعتبار خرید کتاب در زندگی آنان محدودست و منوط است به‌ضرورت. ناتوانی مالی دانشجویی، نداشتن جا درخانه‌های کوچک از موجبات آن بوده و هست. جزین ناگفته‌نباید گذشت که خرید کتاب فارسی بدین کیفیت مخصوص است به ایرانشناسان بعضی از کشورهای غربی و ژاپون و امریکا که توانائی مالی دارند. ورنه ایرانشناسان کشورهای چین و شوروی و اروپای شرقی نمی‌توانند بطورشخصی کتاب خریداری تهیه کنند. ناچار مؤسسات و کتابخانه‌ها و دانشگاه برآورنده احتیاجات آنانند.

* چون نزدیک به شصت هفتاد تا از آنها را دیده‌ام و چون و چند کارشان از سالها پیش آشنایی دارم سعی می‌کنم گرافه‌ای ننویسم

بهر حال تعداد کتابهایی فارسی که این گروه می‌خریدند در سال به هزار جلد هم نمی‌رسید. اگر در هر یک از رشته‌های پژوهشی ایران‌شناسی (تاریخ، زبان‌شناسی، ادبیات، باستان‌شناسی، فرهنگ مردم، جغرافیا...) سی‌چهل علاقه‌مند و متخصص بود هر یک از آنها بیش از سی‌چهل کتاب نمی‌خرید و اصولاً در بعضی از رشته‌ها کتاب به این میزان هم وجود نداشت.

۵) مردم سرزمینهای قلمرو زبان فارسی (افغانستان و تاجیکستان) و نیز کشورهای که زبان فارسی در آن صفحات‌جای‌پای تاریخی و سابقه فرهنگی دارد (پاکستان، هندوستان و ترکیه و قفقاز). شاید گرافه نباشد اگر گفته شود که متأسفانه مقدار بسیار کمی از کتابهای چاپ ایران در افغانستان، و بسیار کمتر از آن در پاکستان فروخته می‌شد.

مردم افغانستان به خواندن کتابهای فارسی دلبستگی داشتند و با علاقه‌مندی در پی آن بودند که در حد توانائی مالی خود بعضی از نوشته‌ها و چاپ شده‌های ایران را بخرند و بخوانند*. البته هم‌زمان ما در افغانستان دوستدار خواندن و داشتن نشریات ایرانی بودند اما رواج نشریات و مطبوعات فارسی چاپ ایران دلپسند دولت افغانستان نبود. دولتمندان مخالف هم بود تا آنجا که راه را بر کاروان کتاب ایران می‌بست، و اکنون که جای خود دارد!

کتاب فارسی در هند و پاکستان هیچگاه فروش قابل ملاحظه نداشت. در حالی که مصرف کتاب فارسی در آن دو کشور زیاد بود. آن مقدار کتابی را که دولت ایران برای ترویج زبان فارسی می‌فرستاد آرزومندان «می‌فایندند». اگر چند ده برابر آن هم درین راه، سرمایه مصروف می‌شد جا داشت و بیگمان طالب داشت.

این نمایی بود در چند سطر از وضع فروش و مصرف کتابهای فارسی در گذشته. اما پس از انقلاب وضع دگرگون شد. قلمرو کتاب فارسی وسعتی و دامنه‌ای جهانی‌تر یافت. یگانه سبب آن مهاجرت جمعی کثیر از ایرانیان به کشورهای امریکا، کانادا، استرالیا، ژاپون و اروپای غربی است، حتی به ترکیه و پاکستان و هندوستان و کشورهای ساحل جنوبی خلیج فارس.

از سویی بر رفتگان دور شده از وطن فرض است که علائق فرهنگی و ملی خود را از راه زبان فارسی که مهمترین پیوند آنان با تاریخ و فرهنگ است حفظ کنند و نه تنها حافظ این زبان در آن سرزمینها بلکه آموزنده آن به فرزندانانشان باشند. و از سویی بر ماست بکوشیم تا چنین حسی و رغبتی در آنان بیدار بماند. نمونه بارز ملتی که هجرت کرده و با فرهنگ خود پایدار مانده است چینیه را می‌توان نام برد که توانسته‌اند در

* به یاد می‌آورم سالهای ۱۳۲۷-۱۳۴۹ را که امیروار هراتی باجه امید و شوری راههای خاکی و دراز را درمی‌نوردید و پس از چندین روز سفر مردافکن درجاده‌های ابتدایی آن روزگاران خود را از کابل به تهران می‌رسانید و مقداری کتاب می‌خرید و با دشواری آنها را به مشتاقان افغانی می‌رسانید تا نقد پاری را به بنگاله نزدیکتر سازد.

کشوری مثل امریکا زبان و خط خود را نگاه دارند و در کوچه و بازار به رخ مردم هفت کشور بکشند.

درست یا نادرست، شاید دو میلیون ایرانی در جهان پراکنده شده است. اینان اگر راههای فرهنگی هموار و مصلحت آمیزی پیش پایشان باشد بهترین مبشران و معرفان زبان و فرهنگ ایران در چهار گوشه جهان خواهند بود. مگر نه آن است که دامنه تفکر اسلامی همراه زبان فارسی به فراخزای چین و کرانه های سیام کشانیده شد.

پس امیدست راهی در پیش گرفته شود که این دو میلیون نفر بتوانند از حق طبیعی و مادری و عاطفی — که استفاده از منابع فکری و فرهنگی نویسندگان همزبانان است — به آسانی بهره ور شوند و بتوانند وظیفه ای را که بر گردن دارند و آن حفظ و نشر زبان فارسی است انجام دهند.

شاید مهمترین وسیله و اساسی ترین راه، برای گرد نیافتن کاخی که فردوسی بنا کرد و به صورت ودیعه ملی برجای گذاشت، در قبال همه سیاستهای مودیانه استعماری و مقاصد فرهنگی نامبارک آنها — که از جمله مخالفت با نشر زبان فارسی است — همانا انتشار کتابهای فارسی به میزان وسیع در سراسر جهان باشد تا تخم سخن فارسی بیش از پیش پراکنده شود.^۲

برای پایدار نگاه داشتن چنین کاخی هر گونه هزینه ای را باید درست دانست. این گونه خرجها فایده بخش است و اصراف نیست. پذیرفتن زبان مادی در راه گسترش و نگاهبانی زبان ایرانیان — که در قانون اساسی زبان رسمی است — دور از صواب نیست و چون قانون آن را رسمی دانسته است باید هزینه های نگاهبانی آن را تحمل کرد. فارسی و کتاب فارسی پیوند بیچون و چرای ما و آیندگان با گذشته و بیگمان یکی از نمودهای شاخص و قائمه محکم ایرانی بودن است.

اگر شمشیر و تانک در گذشته و حال حافظ مرزهای کشور و مدافع تهاجمات دشمنان همه رنگ بوده و هست زبان فارسی نگاهبان بیچون و چرای هویت ایرانی در آن سوی مرزها بوده است و خواهد بود. در پهنه فرهنگ جهانی همه ایرانیان، به هر گویش و سخنی متکلم باشند بیگمان سرایندگان و نویسندگان و دانشمندان فارسی زبان را نمودار فرهنگ و الای خود معرفی می کنند و اگر در مقام این پرسش قرار گیرند که شاعران طراز اول شما کیستند و آثارشان چیست می گویند فردوسی و سعدی و حافظ و مولوی و... شاهنامه و گلستان و دیوان لسان الغیب و مثنوی و... بنابراین همانگونه که وطن پرستانه می گوئیم

۱- به یاد می آورم سخنان نغز و حکمت آمیز حجة الاسلام دانشمند آقای شیخ عبدالله نورانی را در مجلس یادبود دکتر افشار (دی ۱۳۶۲)، که در زمینه اهمیت زبان فارسی برای ایران تذکرات دقیق و مبتنی بر حقایق تاریخی داد.

۲- جزین به ملاحظاتی عمومی فرهنگی است که همیشه بهای پست برای نشریات چاپی ارزاترست از هر گونه بسته و کالای دیگر. جزین کتاب و مطبوعات را دولتها از عوارض گمرکی معاف داشته و با امضای مقررات و منشورهای جهانی آن (مثل اصول یونسکو) چنین اصلی را پذیرفته اند و ما هم از آن زمره ایم.

تا مرزهای خاکی و آبی کشور را استوار سازیم مسئولیت تاریخی، ملی و طبعاً قانونی نگاهداری و گسترش زبان فارسی را - که قلمرو و سامان فرهنگی و معنوی ماست - نیز بر عهده داریم.

در حفظ حقوق و حیثیات مملکت قبول و رعایت دو اصل ضروری است: یکی ازدیاد عواید مالی است و دیگر حفظ مصالح فرهنگی. لامحالہ در هر مورد هر کدام که برای حفظ قومیت ایرانی مفیدتر است بر دیگری مقدم و مرجح خواهد بود.

مصالح فرهنگی و تاریخی ایران اقتضا دارد که اگر عواید مالی حاصل از خروج و صدور کتابهای تازه و جاری صدمه‌های عظیم و اساسی ندارد با گذشت و چشم‌پوشی اجازه داده شود که کتابهای مجاز* به آسانی و بدون رسوم و ضوابط «دست‌وپاگیر» به‌خارج فرستاده شود و فرزندان و پروردگان زبان فارسی ازین نعمت وطنی بهره‌ور شوند و از فکر و فرهنگ ایرانی دور نمانند و چاره تنها کتاب فارسی خواندن است.

همانگونه که برای بهداشت و درمان مردم در ایران، مقادیری از درآمد ارزی صرف تهیه دارو و لوازم پزشکی می‌شود برای زنده نگاه‌داشتن زبان فارسی در خارج هم باید اعتباراتی تخصیص یابد و از درآمدهایی هم چشم‌پوشی کرد. دولت همیشه مخارج مدرسه‌های ایرانیان در خارج را عهده‌دار بوده است و هم‌اکنون با کمال علاقه و به‌حق هزینه‌های دو مرکز تحقیقات فارسی در پاکستان و هندوستان را می‌پردازد و کار بسیار مهمی را که برای پایداری زبان فارسی ضرورت دارد دنبال می‌کند.

آن تعداد از ایرانیان خارج که سنشان پانزده سال بیشتر است اگر کتابخوان باشند تا وقتی که زنده باشند خواننده زبان مادری خواهند بود و برای خواندن نیاز به کتاب فارسی دارند* و هر قدر فرستادن کتاب برای آنان که بوسیله خویشان و دوستان خود از

* همه دولتها خروج بخشی و نوعی از کتابها (مانند کتابهای خطی، چاپهای گرانبها، نایابهای پیشین - incunable) را طبق قاعده‌ای از کشور خود ممنوع می‌کنند. این کار هم برای رعایت مصالح فرهنگی است. این‌گونه آثار جزو آثار ملی است و باید در خزانه‌های کشور بماند.

۳- از میان کتابهای جاری عادی که سالانه در ایران چاپ می‌شود شاید میان پانصد ششصد عنوان کتاب باشد که در خارج خواستار و خریدار دارد. اگر رویهم‌رفته از هر یک از آنها صد نسخه هم از ایران خارج شود (بعضی از کتابها ده خواستار هم ندارد)، تعداد این نسخه‌ها چیزی میان پنجاه تا شصت هزار جلد خواهد بود و دست‌بالا از یکصد هزار جلد فراتر نمی‌رود، و اگر بطور کلی بهای هر یک از آنها را یکصد تومان بگیریم مبلغی میان پنج شش میلیون تومان است. حتی اگر این رقم به دوسه برابر افزایش یابد و آن را بیست میلیون تومان (یا معادل ارزی آن) فرض کنیم و بگوییم که مملکت در سال چنین مبلغی را برای زنده نگاه داشتن زبان فارسی صرف می‌کند ضرر و زیان عمده‌ای نیست. بیش از هشتاد درصد از خریداران اتباع ایرانی‌اند و کتابها میان آنها دست به‌دست می‌گردد (امانت یا فروش). مقدار کتابهایی که به‌دست خارجیها می‌افتد در همان حدودی است که در قسمت اول مقاله بدان اشاره شد و آن هم رقمی است بسیار ناچیز. زبان فارسی ارزشی بی‌بها دارد و سرمایه‌ها در مقام حفظ آن باید تلف شدنی تواند بود.

ایران کتاب می‌طلبند دشوار شود موجب آن خواهد بود که جمعی سوداگر، آن کتابهایی را که خریدار دارد از روی کتابهای ایران که به‌خون دل‌خوردنها و استخوان سوزاندنها چاپ شده است با نادیده گرفتن هرگونه حقوق تألیف و طبع و نشر — که تضییع یکی از حقوق بشری است — به‌چاپهای لوحهای و تکثیر (افستی و زراکسی) برسانند و در کشورهای خارج. ناگفته پیداست که به‌دست آوردن يك نسخه از کتاب مورد نظر برای چنان افراد کار دشواری نیست.

یادداشت تازه

مقاله حروف چینی و آماده چاپ شده بود که آزادی محدود نسبت به خروج کتاب اعلام شد. پست‌خانه‌ها مجاز شدند که بسته کتاب هر صاحب دفترچه ستاد بسیج اقتصادی را تا مبلغ يك هزار تومان به مقصد کشورهای خارج بپذیرند* یعنی يك خانواده می‌تواند با بهای کنونی کتاب، هفت هشت کتاب برای خویشان و دوستانش در سال بفرستد. این اقدام تا حدودی رافع مشکل آنی و فردی کسانی شد که می‌خواستند چند کتاب به خارج بفرستند و نمی‌توانستند. ولی مشکل بصورت فرهنگی و از نگاهی عمومی‌تر، برجای است. چون ضرور دانستیم که مطالب این مقاله به اطلاع متصدیان علاقه‌مند به فرهنگ برسد آن را با این یادداشت توضیحی به چاپ می‌رسانیم تا تصمیم گیرندگان نسبت به این موضوع و واضعان گرامی مقررات — که خواه ناخواه چشمان به جنبه‌های گمرکی، بازرگانی، پستی و بالاخره مالی معطوف شده — با توجه به همه نکاتی که درین نوشته صرفاً از نگاه فرهنگی مورد بحث قرار گرفته است راههای سهل و آسان را بیابند و این معضل را به سود فرهنگ و زبان فارسی از میان بردارند. در آن صورت است که به فحوای این شعر عامیانه:

می‌رود این کتاب البته تا به بغداد و مصر و کلکنه

و اندیشه و هنر و ذوق ایرانی به همراه زبان حافظ و سعدی در چهار گوشه جهان و در کنار کتابهایی که به زبانهای دیگرست جا می‌گیرد.

ایرج افشار

* عجب اینجاست که در یکی از باجه‌های پستی صحبت ازین می‌شد که اگر صاحب دفترچه بسیج يك کتاب پنجاه تومانی هم بفرستد چون دفترش بکبار به‌مهر برسد دیگر حق نخواهد داشت که در طول سال کتابی بفرستد! می‌گفتند هر دفترچه بسیج باید يك بار مهر بشود. خواه بسته کتاب صد تومان ببرد و خواه هزار تومان! امیدست تا انتشار این مقاله دستورالعمل روشن و گویایی صادر شود و مانع بروز سوءتعبیر و برخورد میان کتاب فرستنده و کارمند گرامی پست‌خانه باشد.